

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

راه زندگی

آرزوی دل به جز دلداری نیست
افتخار سر، به غیر از دار نیست
بی هدف این زندگی ناید به کار
شاخ بی بر، لایق جز نار نیست
جان سپردن، در ره ارمان خود
هر دلی را جرأت ایثار نیست
جان اگر قربان جانان، می نشد
گوهرش جز پاروی، انبار نیست
لاش خوردن نیست کار شیر نر
این عمل جز در خور کفتار نیست
قاضی و حاجی و ملای دغل
هر یکی جز گرگ آدمخوار نیست
هر طرف پُر ریش و دستار و عبا
رونق بازار، جز اوبار نیست

عالمِ انسان ، بیمار از جفا
مرهمِ زخمِ دلِ بیمار نیست
حُرمتِ انسان ، بربادِ فنا
جز تعصب ، عرضه در بازار نیست
داروی دردِ جهان در دستِ ما
هیچ کس را قدرتِ انکار نیست
با تحرّی حقیقتِ ابتداء
جست و جوی راه ، ننگ و عار نیست
ترکِ ارثی کردن و خود یافتن
راهِ حق را ، کارِ هر دیندار نیست
ترکِ تبعیضِ نژاد و جنس و رنگ
فرقِ ما و تو و او، در کار نیست
بایهود و ، بانصارا و ، مجوس
وحدتِ ادیان ، ما را عار نیست
جنگِ ادیان ، ریشه ها را برکنند
کارِ ناهنجار و ، جز شنار نیست
جز محبت ، مرهمِ زخمِ جهان
دارو و درمانِ این بیمار نیست
در مذاقِ عاشق و معشوقه ها
هیچ لذتِ بهتر از دیدار نیست
تیغِ قاتل بوسه کردن از وفا
بالمقابل ، مثلِ شان رفتار نیست
هر سلاحی را شکست و سوختاند

جنگ و دعوا کارِ هر هشیار نیست
بوی وحدت می رسد ، اندر مشام
مژده ای غیر از شمیمِ یار نیست
نغمه های عشق ، خوانند بلبلان
بانگِ هر زاغ و زغن تکرار نیست
زیورِ هستی ز هر سو جلوه گر
زر فروشی کارِ هر خرکار نیست
گوهرِ عشق و محبت عرضه شد
قیمتش ، با دالر و دینار نیست
قطره ای نوشیدم از جامِ وصال
نشئه اش درخانه خمار نیست
خانه ما ، خانه صلح و صفا
این هنر ، از فنِ هر معمار نیست
دینِ ما نور و جلا و صیقل است
کفرِ ما جز کین و بغض و تار نیست
بزمِ ما را نیست جز مهر و وفا
بلبل و گل است و جای خار نیست
جانِ شیرین ، در کف از بهرِ نثار
ورنه لاف است و بجز آزار نیست
روز و شب در خدمت نوعِ بشر
در عمل بین ، حاجتِ گفتار نیست
« نعمتا » این راه ، راهِ زندگیست
اندکی پر پیچ و لیک هموار نیست